

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب ماه

علوم اجتماعی ۱۲

ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب

صاحب امتیاز:
خانه کتاب ایران
مدیر مسئول:
احمد مسجد جامعی

کتاب ماه علوم اجتماعی ماهنامه‌ای است که باهدف اطلاع رسانی در زمینه کتاب و مایل نشر و کمک به ارتباط خلاق بین پدیدآورندگان، ناشران، کتابداران و سایر فعالان عرصه نشر و فرهنگ کشور از سوی خانه کتاب ایران انتشار می‌یابد. هر ماه فهرست کامل انتشارات ماه پیشین که با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتشار یافته است و در نظام اطلاع رسانی خانه کتاب ایران وارد شده‌اند بر اساس نظام رده‌بندی دهدهی دیویی ارائه می‌شود. شناسه کتابها تا حد امکان - حداقل کتابهای چاپ اول - با خلاصه‌ای از کتاب همراه است. در پایان این بخش نمایه‌ها نیز آورده شده است. مسئولیت نقد و ارزیابی کتاب و مایل کتاب بر عهده نویسندگان است و به هیچ وجه به منزله نظر رسمی خانه کتاب نیست.

سر دبیر:
سعید معیدفر
دبیر بخش نقد و بررسی:
سعیدعلیرضا دربندی
بخش فهرست و خلاصه کتاب:
مدیریت اطلاع رسانی و خدمات
رایانه‌ای
لیتوگرافی:
پرتو شمس
چاپ و صحافی:
مؤسسه چاپ الهادی
نشانی: تهران خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین شماره ۱۱۷۸
صندوق پستی ۱۳۱۴۵۰۳۱۳
تلفن: ۶۶۱۵۴۶۹

طرح روی جلد مربوط به مطلب منافع ملی و مصالح اسلامی در اندیشه و رفتار سیاست خارجی می‌باشد

نقدی بر کتاب:

زمینه‌ای

برای بازاندیشی

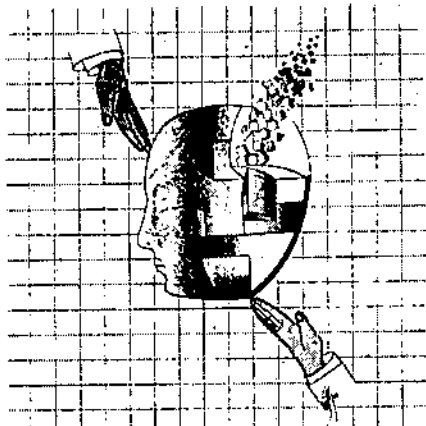
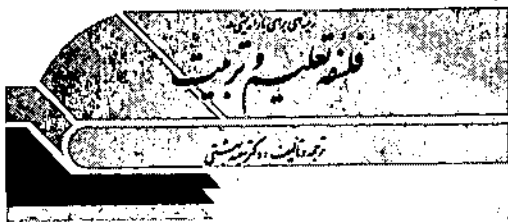
در

فلسفه تعلیم و تربیت

مترجم: سعید بهشتی، نشر ویرایش

● خسرو باقری

عضو هیات علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران



انتقال هر چه روشن‌تر این اندیشه‌ها به جامعه دانشگاهی ما مدد رساند. به سبب همین ضرورت، اینجانب درخواست مجله "کتاب ماه" (گروه علوم اجتماعی) را برای بررسی این کتاب، پاسخ مثبت دادم. ملاحظه این کتاب آشکار می‌سازد که مترجم محترم، موفق شده است در مجموع، ترجمه‌ای خوب و روان را به انجام برساند. با این حال، برخی لغزشها در ترجمه رخ نموده است که ذیلاً به آنها اشاره خواهیم کرد. قابل ذکر است که وجود چنین لغزش‌هایی در ترجمه حجیم گسترده‌ای از مطالب، همچون حجم کتاب مورد بحث، کم و بیش طبیعی است. از این رو، ذکر نکات زیر به معنای آن نیست که اهمیت کار مترجم محترم قابل انکار است. و اما نکات مورد نظر به شرح زیر است:

۱- نخست لازم است به این مطلب جانبی اشاره کنیم که آوردن عنوان "ترجمه و تالیف" بر روی جلد، هنگامی از تناسب کافی برخوردار است که مترجم خود نیز مقاله یا مقالاتی را نگاشته و بر کتاب بیفزاید. در غیر این صورت، یادداشت‌های تلخیصی کوتاه در آغاز فصول و یا مقدمه مترجم بر کتاب، به ویژه هنگامی که عمدتاً ناظر به مطالب موجود در کتاب باشد، جنبه تالیفی به کتاب نمی‌بخشد و مناسب است که همان عناوین "یادداشت مترجم" یا "مقدمه مترجم" برای اشاره به آنها مورد استفاده قرار گیرد.

۲- تنظیم فصول و بخش‌های کتاب، از حیث انسجام قدری قابل تأمل است. به عنوان مثال، بخش دوم که تحت عنوان "ضرورت فلسفه تعلیم و تربیت" نامگذاری شده، باید بعد از "ماهیت فلسفه تعلیم و تربیت" (بخش پنجم) مطرح شود زیرا قبل از داشتن تصویری در باب ماهیت چیزی، نمی‌توان از ضرورت آن سخن گفت. البته مترجم محترم، خود در مقدمه بخش

کتاب «زمینه‌ای برای بازاندیشی در فلسفه تعلیم و تربیت»، مجموعه مقالاتی است در باب فلسفه تعلیم و تربیت که توسط فاضل محترم جناب آقای دکتر سعید بهشتی انتخاب، تنظیم و ترجمه شده است. آثار موجود در این زمینه به زبان فارسی، غالباً ناظر به دیدگاههای سنتی فلسفه تعلیم و تربیت است و به رغم آنکه اخیراً چند اثر معدود در این باب منتشر شده، هنوز جامعه دانشگاهی نیازمند اطلاع یافتن از آثار و دیدگاههای تازه در این رشته است. از این رو، انتشار آثاری از این دست موجب خشنودی است و مناسب است در اینجا از اقدام شایسته مترجم محترم این کتاب تقدیر نماییم.

ترجمه آثار علمی جدید در رشته‌های دانشگاهی، به سهولت قابل استفاده برای دانشجویان نیست زیرا فهم آنها عموماً محتاج برخوردار بودن از اطلاعاتی است که به منزله پیش نیاز آثار مذکور است. رفع این دشواری در گرو دو اقدام است: نخست این که شرحها یا ضمایم سودمندی به آثار ترجمه‌ای افزوده شود و دیگر آنکه از لغزش‌های ترجمه‌ای جلوگیری شود تا متن، حتی الامکان روشن و به دور از ابهام به فارسی برگردان شود. برای تأمین اقدام نخست، مترجمان باید علاوه بر ترجمه، در صورت امکان، زحمت نگارش شرحها یا ضمایم را نیز بر خود هموار کنند. در کتاب مورد بحث، این نیاز با یادداشت‌های مترجم محترم در آغاز هر بخش کتاب و به دست دادن خلاصه‌ای فشرده از مباحث آن، تا حدی رفع شده است. هر چند جا برای شرح در مورد برخی فصول همچنان وجود دارد. اقدام دوم، از طریق نقد و مذاقه در ترجمه اینگونه آثار تأمین می‌شود. به این ترتیب، نقد و ترجمه، مکمل همدند و در جریان طرح‌آرای جدید از طریق ترجمه آثار، مناسب است که بابتی برای نقد ترجمه‌ها گشوده شود تا به

پنجم، به چنین ترتیب منطقی اذعان نموده است؛ از این رو، شگفتی خواننده بیشتر می شود که چرا در تنظیم مطالب کتاب، این نکته مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین، عنوان برخی از بخش ها تنها با یک مقاله از مقالات آن بخش تناسب دارد. به عنوان مثال، مقالات فصول چهارم و ششم، مربوط به ماهیت فلسفه تعلیم و تربیت است و بهتر است در بخش پنجم قرار گیرد. رعایت انسجام در آثار فلسفی، به طور مضاعف از اهمیت برخوردار است زیرا یکی از رسالت های مهم فلسفه، آموختن انسجام منطقی در اندیشه ورزی است. از این رو، لازم دانستیم به این نکته، در بندی مستقل اشاره کنیم.

۳- در ص ۱۷۱ برای 'academic discipline' از معادل 'رشته تحصیلی' استفاده شده است. اما مراد از این کلمه «رشته علمی» یا «رشته نظری» است. زیرا نویسنده می خواهد بگوید که تعلیم و تربیت، گاه به معنای فرایند عملی تعلیم و تربیت و گاه به معنای رشته علمی تعلیم و تربیت بکار می رود. رشته علمی در مقابل فرایند عملی قرار می گیرد، در حالیکه 'رشته تحصیلی' تعلیم و تربیت در مقابل رشته های تحصیلی دیگر واقع می شود.

۴- در ص ۱۹۷ کتاب ایلچ تحت عنوان 'Deschooling society' به 'جامعه مدرسه زدا' ترجمه شده است. اما society در این عبارت، مقول است نه موصوف و بنابراین باید آن را 'مدرسه زدایی از جامعه' ترجمه کرد. در همین صفحه، نام 'KOZOI' به 'کوزول' برگردان شده که صحیح آن 'کوتسول' است.

۵- در ص ۲۲۲ معادل 'سودمندی نهایی' برای 'ultimate significance' بکار رفته است. ترجمه مناسب 'معنای نهایی' است، به ویژه که نویسنده این تعبیر را به عنوان اشاره به اشتغال اساسی فلسفه بکار برده است؛ فلسفه همواره از معنا و اعتبار نهایی امور پرسش می کند نه از سودمندی نهایی آنها.

۶- در ص ۲۲۴ نام 'Ullich' به 'اولیچ' برگردان شده که صحیح آن باید 'اولیش' باشد.

۷- در ص ۲۴۰ نام 'Fichte' به 'فیخته' و سه سطر پس از آن به 'فیشته' ترجمه شده است و خواننده ممکن است تصور کند در مورد دو فرد متفاوت سخن گفته شده است. تلفظ صحیح همان فیشته است که بهتر است به نحو یکسان بکار گرفته شود. همچنین نام 'Duns scotus' به 'دانس اسکاتوس' ترجمه شده که صحیح آن 'دونس اسکوتوس' است.

۸- در ص ۲۶۴ برای واژه 'المانی' 'geisteswissenschaften' معادل 'مکتب روح علمی' بکار رفته که نادرست است و معنای مشخصی نیز ندارد. معنای تحت اللفظی این واژه 'علوم روحی' است که امروزه باید آن را 'علوم انسانی' ترجمه کرد زیرا عناوین مختلفی که در زمان های مختلف بکار رفته، همچون 'علوم اخلاقی'، 'علوم اجتماعی' و 'علوم انسانی'، مفاهیمی مترادفند و در زبان فارسی نیز 'علوم انسانی' مصطلح است.

در همین صفحه، نام 'Simmel' به 'سیمل' ترجمه شده که صحیح آن 'زیمل' است.

◀ برای فهم بهتر آثار ترجمه شده، مترجمان در صورت امکان، باید زحمت نگارش شرحها یا ضمائم را نیز بر خود هموار کنند در کتاب حاضر، این نیاز با یادداشت های مترجم محترم در آغاز هر بخش کتاب، تا حدی رفع شده است. هر چند جای برای شرح در مورد برخی فصول همچنان وجود دارد.

◀ نقد و ترجمه، مکمل همنند و در جریان طرح آرای جدید از طریق ترجمه آثار، مناسب است بابتی برای نقد ترجمه ها گشوده شود تا به انتقال هرچه روشن تر اندیشه ها به جامعه دانشگاهی ما مدد رسانند.

◀ مترجم محترم موفق شده است در مجموع، ترجمه ای خوب و روان را به انجام رساند. با این حال، برخی لغزشها در ترجمه رخ نموده که با توجه به حجم گسترده مطالب کتاب، کم و بیش طبیعی به نظر می رسد.

◀ آثار موجود در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت، در زبان فارسی، به استثنای چند اثر معدود که اخیراً منتشر شده، غالباً ناظر به دیدگاههای سنتی در این قلمرو معرفتی است و جامعه دانشگاهی نیازمند آگاهی از آثار، دیدگاهها تازه در این رشته است. از این رو ترجمه آثاری از این دست، قابل تقدیر است.

۹- در ص ۲۶۶ معادل 'دوراهی ها' برای 'Crossroads' بکار رفته است که صحیح آن 'دو راهی' است. قابل ذکر است که ما در فارسی، برخلاف انگلیسی، معدود را جمع نمی بندیم؛ مثلاً نمی گویم 'دو کتابها' بلکه می گویم 'دو کتاب'.

۱۰- در ص ۲۷۵، نام 'Dilthey' به 'دیلثی' برگردان شده که صحیح آن 'دیلتای' است.

۱۱- در ص ۲۷۷ واژه 'feminist' به 'طرفدار برابری زن و مرد' ترجمه شده است. ترجمه تحت اللفظی تر آن 'حامی حقوق زن' است؛ به علاوه، این دسته از حامیان حقوق زن، گاه زنان را برتر از مردان در نظر می گیرند.

۱۲- در ص ۲۷۹ واژه 'nomological' 'Knowledge' به 'دانش قانونی' ترجمه شده که مفهومی ابهام برانگیز است و منطبق بر لفظ بکار رفته نیز نیست. ترجمه مناسب تر، 'دانش قانون شناسانه' یا 'دانش قانون شناختی' است، یعنی دانشی که در پی کشف و به دست دادن قوانین علمی است همچون فیزیک، نه دانشی که (احتمالاً) با قوانینی علمی سر و کار ندارد همچون تاریخ.

۱۳- در ص ۲۸۱ می خوانیم: «حتی وقتی که یک مفهوم مورد تحلیل، فایده عملی روشنی داشت، فیلسوفان تعلیم و تربیت، محتاطانه تاکید می ورزیدند که آنها فقط یک نکته مفهومی را ساخته اند.» خواننده با ملاحظه جمله آخر چنین برداشت می کند که فیلسوفان تحلیلی به ساختن مفاهیم می پردازند، در حالیکه فیلسوفان تحلیلی، چنانکه از نام آنها پیداست، مفاهیم مستعمل را مورد تحلیل قرار می دهند. این ابهام، ناشی از ترجمه تحت اللفظی 'make' در عباراتی چون 'to make a point' یا 'to make a conceptual Point' است. اما چنین عباراتی را باید به ترتیب چنین ترجمه کرد: «توضیح دادن» و «توضیح مفهومی» یا «روشنگری مفهومی». در ص ۲۹۰ نیز مورد مشابهی ملاحظه می شود: «ایجاد نکته های مفهومی...».

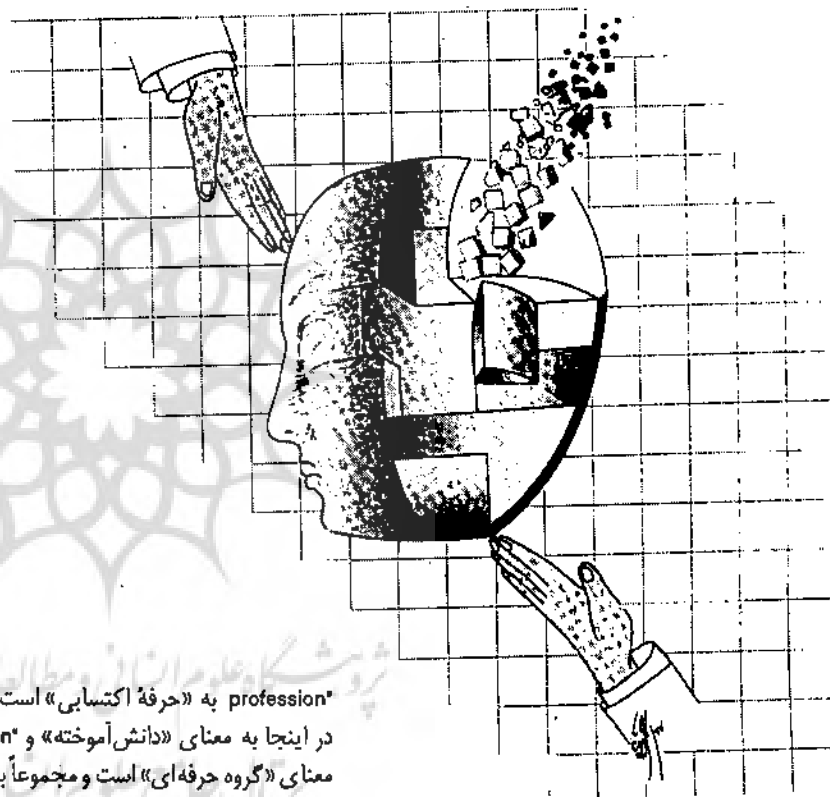
۱۴- در ص ۲۹۰، دو مورد دیگر نیز قابل ذکر است. نام 'Adelstein' به 'آدلستین' ترجمه شده که صحیح آن 'آدلشتاین' است. همچنین برای 'philosophical sense' معادل 'فهم فلسفی' بکار رفته است که مناسب تر است 'مفهوم فلسفی' یا 'معنای فلسفی' را به جای آن استفاده کنیم زیرا کلمه 'فهم' ممکن است به عنوان جریانی روانی و درونی در نظر گرفته شود در حالیکه در اینجا مفهوم یا معنایی مراد است که در عبارات جلوه گر می شود.

۱۵- در ص ۲۹۱ می خوانیم: «وقتی که معلمان می گویند آنها «به کودکان یاد می دهند، نه دروس را»، آیا واقعاً درست است که نتوانسته اند یک نکته گرامری را بفهمند؟»

چنانکه ملاحظه می شود، قول معلمان که در گیومه قرار گرفته، این معنا را القا می کند که معلمان به کودکان، دروس را یاد نمی دهند بلکه چیز دیگری را یاد می دهند. به علاوه، مشخص نیست که نکته گرامری (دستوری) مورد بحث در جمله چیست. در واقع، اصل جمله در زبان انگلیسی، صورت ابهام دارد: 'Teachers do not teach'

subjects, they teach pupils.» باید آن را به صورت ایهام بیان کرد: «معلمان، دروس را نمی‌آموزند، آنها دانش‌آموزان را می‌آموزند.» با چنین بیانی، نکته دستوری مورد بحث نیز آشکار می‌شود زیرا هر چند «دانش‌آموزان را» شبیه «دروس را» است، اما «را» که علامت مفعول بی‌واسطه است در مورد اول، صادق نیست، فقط «دروس»، مفعول بی‌واسطه است. به هر حال، معنای جمله نیز نه آن است که به ذهن متبادر می‌شد بلکه این است که کار معلمان، یاد دادن به دانش‌آموزان است، نه صرفاً بیان دروس و به اتمام رساندن کتابهای درسی.

به علاوه، در همین صفحه از کتاب، کلمه «منفعت» احتمالاً به جای «significance» بکار رفته، چنانکه در بند ۵ اشاره کردیم که همین کلمه به «سودمندی» ترجمه شده است. اما در اینجا نیز معادل مناسب آن «معنا» است.



۱۶- در ص ۲۹۲ دو اصطلاح معروف رایبل (Pyle) یعنی «Knowing that» و «Knowing how» به «دانستن آن» و «دانستن چگونگی» ترجمه شده است. چنانکه ملاحظه می‌شود ترجمه اصطلاح اول کاملاً نامفهوم است. اگر بنا باشد ترجمه تحت‌اللفظی کنیم باید از معادل «دانستن اینکه» استفاده کنیم تا اگر خواستیم ویژگی این اصطلاح را چنانکه رایبل در نظر داشته رعایت کنیم (یعنی قضیه‌ای واقعی را پس از آن بیاوریم)، جمله معنای مانوسی داشته باشد، مانند: «دانستن اینکه زمین گروی است.» اما اگر خود را محدود به ترجمه تحت‌اللفظی نکنیم، می‌توانیم دو اصطلاح مذکور را به ترتیب، «دانش نظری» و «دانش عملی» ترجمه کنیم.

۱۷- در ص ۲۹۵ نام «Gramsci» به «گرامسکی» ترجمه شده که صحیح آن «گرامشی» است.
۱۸- در ص ۳۲۱ نام «Macintyre» به «ماسین تایر» ترجمه شده که صحیح آن «مک اینتایر» است.

۱۹- در ص ۳۳۵ می‌خوانیم: «نقطه نظرات یک رشته فکری» و یک «حرفه اکتسابی»، و لذا عواملی که انسجام فکری یک رشته و همانندی یک حرفه را تداوم می‌بخشند، به یکدیگر وابسته‌اند.» عین عبارات نویسنده چنین است:

'The notions of an 'intellectual discipline' and a 'learned profession' are correlative, so also are the factors which maintain the intellectual coherence of the discipline and the self-identity of the profession'

آنچه موجب ایهام ترجمه این عبارت شده و آن را از مقصود نویسنده دور کرده، برگردان نمودن 'learned'

'profession' به «حرفه اکتسابی» است. اما 'learned' در اینجا به معنای «دانش‌آموخته» و «profession» به معنای «گروه حرفه‌ای» است و مجموعاً به معنای «گروه حرفه‌ای دانش‌آموخته» است. توجه به زمینه بحث نویسنده، مؤید این معناست زیرا وی معتقد است که شکل‌گیری یک رشته علمی در گرو تشکل گروه‌های حرفه‌ای متخصص است. ترجمه عبارات مذکور چنین خواهد بود: «مفاهیم «رشته فکری» و «گروه حرفه‌ای دانش‌آموخته» با یکدیگر همبستگی دارند، و نیز چنین است عواملی که مایه انسجام فکری آن رشته و هویت گروه مزبور است.»

۲۰- در ص ۳۳۵ نام‌های Althusser, Kozol, Lakatos، به ترتیب کوزول، آلتوسر و لاکاتوس ترجمه شده که صحیح آنها کوتسول، آلتوسر و لاکاتوش است.
۲۱- در ص ۳۳۸ اسم خیرنامه‌ای تحت عنوان «Access» به «مدخل» برگردان شده که ترجمه «دسترسی» برای آن مناسب‌تر است.

۲۲- در ص ۳۶۴ واژه آلمانی Allgemeinbildung به

فارسی «الجمین بیلدانگ» نوشته شده که تلفظ صحیح آن «الگمین بیلدونگ» است.

۲۳- در ص ۳۶۹ می‌خوانیم: «این فلسفه تربیتی، کاملاً این واقعیت را می‌پذیرد که یک تفسیر وجود ندارد، بلکه فقط تفسیری وجود دارد.»

با توجه به اینکه «یک تفسیر» و «تفسیری»، هیچ تفاوت معنایی با هم ندارند، مفهوم جمله به درستی دریافت نمی‌شود. در واقع، باید به جای «یک تفسیر» عبارت «تفسیر واحدی» را گذاشت تا معنای مورد نظر آشکار شود.

۲۴- از این بند به بعد، به مواردی اشاره می‌کنیم که ترجمه‌ها درست است اما از جهت رسا بودن در زبان فارسی قابل تأمل است. در ص ۱۵۰، «خانواده فلسفی» به عنوان معادل 'philosophical home' بکار رفته است. بهتر است 'home' در اینجا به «موطن» ترجمه شود و به جای «خانواده فلسفی»، «موطن فلسفی» بکار رود.

۲۵- در ص ۱۶۲ در ترجمه تحت‌اللفظی 'autotelic' و 'heterotelic' از معادل‌های «هدف در خود» و «هدف در غیر» استفاده شده است که تکلف‌آمیز به نظر می‌رسند. بهتر است آنها را به ترتیب، «معطوف به خود» و «معطوف به غیر» ترجمه کنیم.

۲۶- در بیشتر موارد، کلمه 'a' انگلیسی، معادلی در فارسی لازم ندارد و نباید از کلمه «یک» به جای آن استفاده کرد. به عنوان مثال، ترجمه 'Do you have a car?' به «آیا شما یک ماشین دارید؟» مناسب نیست؛ در زبان فارسی، ما این سؤال را بدون کلمه «یک» بکار می‌بریم. در کتاب مورد بحث، در چند مورد، چنین ترجمه‌هایی ملاحظه می‌شود. در ص ۱۷۰ عبارت «به سوی یک فلسفه تعلیم و تربیت»، در ص ۱۹۱ عبارت «این یک نوآوری میمون و مبارکی است»، در ص ۲۱۵ عبارت «هرگاه علم با یک بحران مواجه گردیده، و به یک نقطه عطف رسیده... پای یک پیشرفت فلسفی در میان بوده است.» و در ص ۲۶۳ عبارت «فلسفه تعلیم و تربیت: یک مرور تاریخی» بکار رفته است. در این موارد، کلمه «یک» زاید است، به جز مورد ص ۲۱۵ که در آن باید به جای «یک» از «ی» استفاده کرد (بحرانی).

۲۷- در ص ۲۴۰ برای 'altruism' معادل «دیگرگرایی» به کار رفته که بهتر است «توع دوستی» ترجمه شود.

۲۸- در ص ۲۴۱ نیز برای 'scholasticism' معادل «مدرس‌گرایی» بکار رفته که بهتر است «فلسفه مدرسی» ترجمه شود.

۲۹- در ص ۲۹۳، نام کتاب هولاند، «بر علیه تجربه‌گرایی» ترجمه شده که «بر» در آن زاید است.

۳۰- در ص ۳۶۵ واژه 'anti-pedagogy' به «ضد تعلیم و تربیت» ترجمه شده که مناسب‌تر است «تربیت‌ستیزی» ترجمه شود.

در پایان، امیدوارم پیشنهادات اصلاحی، مایه سلاست بیشتر ترجمه کتاب را فراهم آورد. برای مترجم محترم، توفیق کارهای بیشتری در قلمرو فلسفه تعلیم و تربیت را آرزو دارم. □